

داستان شکل‌گیری و تداوم یک قرار شاعرانه نوروزی در مسجد کرامت بالاخیابان

## سپندوار؛ شب شعری که با حضور رهبر معظم انقلاب معنا گرفت



### «سپندوار»؛ نامی برگرفته از شعر رهبری

حجت الاسلام والمسلمین سید مسلم موسوی، شاعر خراسانی و از دیگر بنیان‌گذاران سپندوار می‌گوید: اکنون بیش از پانزده سال از طرح اولیه این ایده می‌گذرد. او همراه با عدالتی مجد و امیر مهدی حکیمی، هسته اولیه شکل‌گیری این شب شعر را تشکیل دادند. موسوی درباره انتخاب نام برنامه توضیح می‌دهد: «واژه سپندوار را از یکی از شعرهای خود رهبری برداشتم؛ بیتی که می‌گوید: دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی تو/ سپندوار ز کف دادم عنان بی تو. به گفته او، نزدیکی رهبر انقلاب با فضای شعر و ادبیات، انگیزه اصلی شکل‌گیری این برنامه بود. ایشان سال‌ها با ادبیات دمخوردند و دوستان شاعر زیادی داشتند. مامی خواستیم هنگام حضورشان در مشهد، یک استقبال شاعرانه شکل بگیرد و جامعه شعر نسبت به این حضور کاری بکنند. «محل که گسترده‌تر شد به مرور، سپندوار از یک گردهمایی محدود شهری فراتر رفت. موسوی می‌گوید: در دوره‌های مختلف، شاعران شناخته شده‌ای از مشهد، تهران و دیگر شهرها و حتی شاعرانی از خارج کشور در این شب شعر شرکت کردند. او از چهره‌هایی چون مرحوم شکوهی، استاد شفق، نیک، میلاد عرفان‌پور، علیرضا قزوه، ناصر فیض و محمد صالح اعلا به عنوان مهمانان این محفل نام می‌برد و اضافه می‌کند که در کنار برنامه‌های رسمی، شب‌های شعر خود جوش و مردمی نیز در حاشیه سپندوار شکل می‌گرفت. به گفته موسوی، هدف برنامه تنها شعر خوانی نبود: «رهبر انقلاب بارها بر معرفی ادبیات کشور تا کید کرده‌اند و ما هم می‌خواستیم سهمی در این مسیر داشته باشیم.»

امسال قرار است پس از چند سال وقفه دوباره و هم‌زمان با تشییع پیکر رهبر معظم انقلاب، سپندوار در مشهد برگزار شود.

اولین برنامه رادر مسجد کرامت، برگزار کردیم؛ جایی که پایگاه خود رهبری محسوب می‌شد. فکر کردیم چه مکانی مناسب‌تر از آنجا برای شعر خوانی شاعران خراسان.»

به گفته او، در همان ابتدا، ایده برگزاری برنامه با انجمن‌های ادبی شهر مطرح شد و استقبال گسترده‌ای به همراه داشت. عدالتی توضیح می‌دهد که هدف برگزاری کنندگان این بود که حضور نوروزی رهبر انقلاب در مشهد برای جامعه ادبی شهر به رخدادی منفعلانه تبدیل نشود: «نمی‌خواستیم ایشان به مشهد بیایند و شاعران بی تفاوت از کنار این حضور عبور کنند. به هر حال ایشان خود از چهره‌های مؤثر محافل ادبی کشور بوده‌اند و طبیعی بود شاعران خراسانی واکنشی فرهنگی نشان دهند.» به گفته عدالتی، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ پنج شب شعر برگزار شد؛ سه برنامه در مسجد کرامت، و دو برنامه دیگر در خانه پدری رهبر انقلاب در کوچه سید جواد خامنه‌ای.

قاسم فتحی‌اشب شعر «سپندوار»، پیش از آنکه یک برنامه تقویمی باشد، نوعی قرار نانوشته میان شاعران مشهد است؛ دیداری که هر بار در روزهای پایانی سال شکل می‌گیرد و صداهای متفاوت شعر فارسی رادر یک فضا کنار هم می‌نشانند. محفلی که از اواخر دهه ۸۰ و در پی نشست‌های شعری هم‌زمان با سفرهای نوروزی رهبر معظم انقلاب به مشهد شکل گرفت و به تدریج هویتی مستقل پیدا کرد؛ هویتی که آن را از یک مراسم مناسبتی فراتر برد و به مجالس برای بازنمایی بخشی از جریان شعر معاصر شهر تبدیل کرد که سنت محافل ادبی در آن هنوز بر پایه دیدار حضوری و نشینیدن زنده شعر ادامه دارد. آن هم در حضور رهبری ادیب.

امسال اما این شب شعر در شرایطی متفاوت برگزار می‌شود؛ نخستین دوره‌ای که قرار است بدون حضور رهبر معظم انقلاب در مشهد برگزار شود و همین غیاب، معنایی غریب به این محفل داده است.

### مسجد کرامت، پایگاهی برای استقبال شاعرانه

حجت الاسلام والمسلمین علی عدالتی مجد، از پایه‌گذاران اصلی شب شعر سپندوار، شکل‌گیری این برنامه را به اواخر دهه ۸۰ نسبت می‌دهد؛ زمانی که ایده برگزاری یک شب شعر در استقبال از حضور نوروزی رهبر معظم انقلاب را با امیر مهدی حکیمی، مسئول وقت بخش هنری دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، مطرح کرد. عدالتی در آن زمان دبیر انجمن ادبی دعبیل و از فعالان حلقه شعر دفتر تبلیغات اسلامی بود. او درباره نخستین تجربه برگزاری این شب شعر می‌گوید:



خانم‌های «پایین خیابان» با پخت نان برای بسیجیان، به صحنه آمدند

## یک تنور گرم در جبهه مسجد



### فعالیت در پشت صحنه

زهره بصیری اهل گناباد، کسی است که خمیرها را به نان تبدیل می‌کند. او به هر «چانه» خمیر، می‌گوید «ژواله»، یک چانه را برمی‌دارد و روی بالشتک مخصوص پهن می‌کند. یکی از خانم‌ها هم روی خمیر پهن شده، سبزیجات معطر می‌پاشد. بصیری می‌گوید: نانواایی را از مادرم یاد گرفتم. نانی که مادر درست می‌کنیم خیلی سالم است. او اضافه می‌کند: ما که نمی‌توانیم از نزدیک خدمت کنیم، سعی می‌کنیم در پشت صحنه فعال باشیم. تکتم غفوری هم دنباله حرف را می‌گیرد و می‌گوید: شرایط جنگی است. همه باید یکدل باشیم. اکنون مسجد و محله مطرح نیست، پای کشورمان در میان است. در حالی که صدای جزء خوانی قرآن در مسجد به زیر زمین هم می‌رسد، بوی نان بلند می‌شود. خمیرهای چانه زده، یک طرف روی پارچه‌ای بزرگ قرار گرفته‌اند و خانم‌ها در سویی دیگر دور تنور ایستاده‌اند. نان‌ها قرار است به حوزه ۸ بسیج الزهر<sup>(ع)</sup> در نوغان فرستاده شود. دوباره خانم‌ها صلوات می‌فرستند. یکی از آن سو بلند می‌گوید سبزی‌اش را حتماً بزنید، خیلی خوشمزه می‌شود.

که می‌کنند، می‌گوید: از همان روزهای اول خواستیم مؤثر باشیم. تصمیم گرفتیم به جای اینکه در این شرایط جنگی، صف‌های نانواایی را اشغال کنیم، نان باکیفیت برای بسیجیان بپزیم. جمعه شب هم هفتاد پرس عدس پلو با کمک‌های مردمی پختیم.

این بانوی بسیجی در حین آماده‌سازی مواد اولیه برای پخت نان با اشاره به توطئه‌های دشمنان اضافه می‌کند: ما کارمان را بی اهمیت نمی‌دانیم؛ همان طور که یک مادر با تمام عشق و علاقه‌اش برای فرزندانش غذا درست می‌کند و می‌داند بچه‌هایش از آن عشق، نیرو می‌گیرند، ما هم در پشت جبهه این نان‌ها را با چاشنی دعا و توسل آماده می‌کنیم. از خدا هم می‌خواهیم نیرو و برکتی مضاعف در آن قرار دهد.

### همدلی در زمان جنگ

سیده زهرائیس الساداتی از بانوان بسیجی مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> در بولوار وحدت است که برای آموزش به جمع خانم‌های مسجد امام هادی<sup>(ع)</sup> پیوسته است. این بانو با بیان اینکه وقتی شرایط اضطراری است باید پایگاه‌های بسیج با هم ادغام شوند تا کارها با همدلی و مشارکت انجام شود، اضافه می‌کند: ما خانم‌ها فکر کردیم چه کاری از دستمان برمی‌آید تا در کنار سایر کارهای فرهنگی انجام دهیم. آمده‌ام اینجا تا ببینیم خانم‌ها با چه وسایلی و امکاناتی کار می‌کنند تا خودمان هم مشابه این اقدام رادر مسجد محله داشته باشیم.

سمیرا شاهیان ادرز زیر زمین مسجد امام هادی<sup>(ع)</sup> محله پایین خیابان صدای خانم‌ها پیچیده است. یکی‌شان دعایی می‌خواند و بقیه با او هم نوایی می‌کنند. قرار است نان بپزند. وسایلشان ساده و جمع و جور است. یک تنور گازی دارند که از خادم مسجد به امانت گرفته‌اند، چند لگن پلاستیکی برای اینکه خمیرگیری کنند و یک دیگ برای گرم کردن آب. خانم‌ها از یکی دو ساعت پیش از اذان ظهر به مسجد آمده‌اند و طبق روال روزهای اول ماه مبارک، یک شبانه روز نماز قضا به جماعت خوانده‌اند. بعد از آن به زیر زمین آمده‌اند تا خمیرگیری کنند.

یکی از خانم‌ها که تبخیر بیشتری دارد و کار سنگین خمیرگیری با اوست، آهسته آهسته کمی نمک را به آب و لرم اضافه می‌کند. خانم‌های دیگر در این مرحله کاری ندارند. یکی دعای کند و بقیه صلوات می‌فرستند. کم‌کم خمیر جان می‌گیرد. چند مشت آرد روی آن می‌پاشند تا در زمانی که تخمیر صورت می‌گیرد و حجمش بالا می‌آید، به در ظرف نچسبد. در این مرحله همه خانم‌ها جلو می‌آیند و با یک «یا علی<sup>(ع)</sup>» ظرف سنگین خمیر را بلند می‌کنند و در جای گرم می‌گذارند. بعد همگی پله‌های مسجد را بالا می‌روند تا بعد از نماز ظهر و عصر، بیایند و تنور نانواایی‌شان را گرم کنند.

### نمادی از عشق و توسل

سیده اقدس حقانی موسوی یکی از ساکنان پایین خیابان از کاری